

## نظریه کارشناسی چه ویژگی‌هایی را دارد؟

کارشناس در بیان نظرات خود مکلف به رعایت موازین قانونی هست در این خصوص ماده ۱۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری اشعار می‌دارد:

اظهار نظر کارشناسی باید مستدل و صریح باشد و کارشناسان رسمی مکلف‌اند نکات و توضیحاتی که برای تبیین نظریه ضروری است و یا توسط شورای عالی کانون کارشناسان مشخص می‌گردد به‌طور کامل در آن منعکس نمایند. کارشناس رسمی موظف است در حدود صلاحیت خود نظر کارشناسی را به‌طور کتبی و در مهلت مقرر به مراجع ذی‌ربط تسلیم و نسخه‌ای از آن را تا مدت حداقل ۵ سال بعد از تاریخ تسلیم نگهداری نماید.

از تدقیق ماده مذکور اوصاف ذیل برای نظریه کارشناسی متصور است:

الف) نظریه کارشناسی بایستی به‌صورت کتبی به مرجع صدور قرار کارشناسی اعلام گردد و اعلام نظر شفاهی کارشناس قابل ترتیب اثر دادن و پذیرش نیست.

ب) نظریه کارشناسی بایستی در مهلت مقرر در قرار صادره تقدیم گردد.



برای تعیین مدت مناسب برای اظهار عقیده به دو عامل بستگی دارد:

۱. مهلت مقرر باید طور باشد که امکان بررسی و تحقیق در اطراف موضوع و تجزیه و تحلیل و تهیه گزارش به انضمام نظریه کارشناسی در مدت مذکور قابل انجام میسر باشد.
۲. چون اجرای امر کارشناس یکی از توارری ناشی از ادله است، مدت‌زمان آن باید به‌گونه‌ای باشد که رسیدگی قضایی را بیش از حد انتظار طولانی نکرده و منجر به اطاله دادرسی ننماید.

تقدیم نظریه کارشناسی در مهلت مقرر یک تکلیف قانونی است، لیکن اگر موضوع از اموری باشد که اظهار نظر در آن مدت معینه از طرف دادگاه میسر نباشد به تقاضای کتبی کارشناس و در صورت پذیرش

موضوع توسط دادگاه صادرکننده قرار کارشناسی مهلت مناسبی تعیین و به کارشناس و به طرفین دعوی اعلام می‌کنند که این امر بیشتر استمهال خواستن از دادگاه مصطلح است.

نکته: کارشناسی که در مدت مقرر نظر خود را کتباً به دادگاه ارائه نماید به دلالت ذیل ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی، کارشناس دیگری به جای وی انتخاب می‌شود و در صورتی که نظریه کارشناس قبلی، قبل از انتخاب کارشناس دیگر به دادگاه واصل گردد، دادگاه به آن ترتیب اثر داده و تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیت‌دار (کانون کارشناسان رسمی دادگستری) اعلام می‌دارد.

ج) کارشناس بایستی نسخه‌ای از نظریه کارشناسی خود را به منظور جلوگیری از جعل و سوءاستفاده احتمالی، حداقل به مدت ۵ سال از تاریخ تسلیم به دادگاه نزد خود نگهداری نماید.

د) نظریه کارشناسی جنبه طریقییت دارد و نه موضوعیت و این طریقییت تا اونجاست که قناعت وجدانی در قاضی ایجاد کند لذا چنانچه نظریه کارشناسی به نظر قاضی خلاف مقررات باشد می‌تواند از آن تبعیت نکند و طبق نظر خودش رأی خود را با استدلال صادر بکند از طرفی در صورت اعتراض ذینفع به نظریه کارشناسی و عدم توجه قاضی به آن خدشه‌ای به رأی دادگاه وارد نمی‌گردد، به عبارتی صرف اعتراض ذینفع به نظریه کارشناسی موجب بی اعتباری نظریه نیست.

ه) اظهارنظر کارشناسی بایستی صریح و موجه باشد، این موضوع به صراحت در ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی به همین منظور آمده است از طرفی ماده ۱۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری تأکید می‌کند که اظهارنظر کارشناسی باید مستدل و صریح باشد از آنجایی که قطعیت، صراحت و جزمیت سه شاخصه مهم در نظریات کارشناسی است لذا با توجه به دو مقرر قانونی فوق ذکر نظر کارشناس نمی‌تواند مبهم، مردد، دوپهلو یا مجمل باشد چون فلسفه رجوع به کارشناس در واقع رجوع ناآگاه و جاهل به عالم است و نظر عالم باید قاطع، صریح، جازم و مستدل باشد تا اولاً موجبات اطاله دادرسی را فراهم نکند، ثانیاً مورد استفاده قرار بگیرد و مشکلی از موضوع مورد اختلاف و منازعه مرتفع نماید در غیر این صورت رجوع به کارشناس عبث و بیهوده خواهد بود یعنی فایده‌ای ندارد به کارشناس مراجعه شود اگر عمل کارشناسی از قطعیت، صراحت و جزمیت برخوردار نباشد و مستدل و صریح و موجه نباشد یک کار اضافی است ما به کارشناس رجوع کنیم و این باعث اطاله دادرسی شده است و نهایتاً از این جهت هست که باید در نظریات کارشناسی این شاخصه‌ها به نحو احسن واکمل دیده بشود.

و) اظهارنظر کارشناس باید عاری از مسامحه و سهل‌انگاری باشد.

مسامحه در لغت به معنای آسان گرفتن و سهل انگاشتن آمده با سهل‌انگاری تقریباً دو واژه مترادف هستند و منظور از آن بی‌دقتی و بی‌توجهی، عدم بررسی لازم در پیرامون موضوعات ارجاعی و سطحی‌نگری کارشناس در امور محوله کارشناسی است که این امر باعث خطای کارشناس در اظهارنظر کارشناسی می‌شود و معمولاً موجب منحرف شدن وی از مسائل اصلی و پرداختن به مسائل غیرمفید حاشیه‌ای می‌گردد که عملاً نظریه

کارشناسی را از مستدل و موجه بودن و صراحت لازم خارج می‌کند در این صورت حتی اگر چنین اظهارنظری در تصمیم مراجع صلاحیت‌دار مؤثر هم واقع نشود بازهم کارشناس مذکور نه تنها خود را در معرض مجازات بند ۳ الف ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مبنی بر توبیخ یا محدودیت اختیارات فنی کارشناس قرار می‌دهد بلکه ممکن است از باب مسئولیت مدنی به عبارتی مسئولیت حرفه‌ای یا تقصیرات شغلی که چهره خاصی تقصیر تلقی می‌شود ضمان مدنی نیز پیدا بکند.

ز) اظهار نظر کارشناسی باید با قرار صادره کارشناسی مطابقت داشته باشد. اساساً بایستی نظریه کارشناسی در چهارچوب قرار صادره و نیز موضوع کارشناسی باشد در غیر این صورت دادگاه به علت عدم مطابقت با اوضاع و احوال محقق و معلوم از نظریه کارشناسی متابعت نخواهد کرد و در صورت کامل نبودن نظریه کار اضافی به کارشناس تحمیل خواهد شد چراکه این کار اضافی تحمیلی ناشی از فعل و عمل خود کارشناس است، کارشناس کارش را درست انجام نداده و گزارش را کامل تقدیم نکرده یعنی دادگاه وی را جهت تکمیل نظریه احضار و حتی در صورت استنکاف به دلالت ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی جلب خواهد نمود ضمناً ناقص بودن نظریه کارشناسی برخلاف سوگند مقرر در ماده ۱۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری است که در ذیل آن ماده کارشناس سوگند یاد می‌کند که تمام نظرات خود را نسبت به موضوع کارشناسی اظهار نموده و هیچ چیز را مکتوم ننماید که حاکی از کامل ارائه دادن نظریه کارشناسی است.



ح) اظهار نظر کارشناس باید بر طبق قوانین و مقررات مربوطه باشد؛ کارشناسان باید در حوزه فنی تخصصی خود به قوانین و مقررات خاص مربوط به شغل و حرفه خود آگاهی و تسلط کافی داشته باشد تا با رعایت و لحاظ کردن مقررات مذکور در نظریات کارشناسی ضمن تقویت و استحکام بخشی به نظرات خود نظری مستدل و مستند و مطابق واقع ارائه بدهند، بدیهی است که احاطه کارشناس به قوانین، مقررات دولتی یعنی نظامات دولتی، آیین نامه‌ها، مصوبات هیئت وزیران و بخش نامه‌های دولتی لازم‌الاجرا با توجه به داشتن وصف فنی و تخصصی آنها امری لازم و ضروری است و کارشناس در مواردی که مقررات دولتی مربوطه ضوابطی را معین و رعایت آنها را الزامی کرده است

بایستی آنها را با موضوعات کارشناسی محوله مطابقت داده و نظریات خود را به آن مستند نماید، نقض قوانین و مقررات مطروحه در اظهارنظر کارشناسی تخلف انتظامی محسوب می‌شود و برای متخلف مجازات مقرر در بند ۶ الف ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری را در پی دارد.

ط) کارشناس در ارائه نظریه کارشناسی نباید مشمول جهات رد باشد؛

چون این بحث را قبلاً در مبحث ششم به حد کافی توضیح داده‌ایم بنابراین برای جلوگیری از تکرار مطالب در اینجا خودداری می‌کنیم.

ی) رعایت حدود صلاحیت و عدم اظهارنظر در امور خارج از صلاحیت کارشناسی؛ که این هم یکی از ویژگی‌های مهم نظریه کارشناسی است و این عموماً هم دوستان کارشناس با این مسائل درگیری‌های متعددی دارند و سؤالات بیشتر و ابهامات بیشتری برای آنها حادث می‌شود، توانایی فنی، تخصصی، علمی و تجربی کارشناس در موضوعات کارشناسی بیانگر صلاحیت وی در این گونه امور هست وی را مستحق اخذ و اعطای صلاحیت‌های مصوب می‌نماید که برابر ضوابط موجود تعداد و شرح صلاحیت‌های موصوف معمولاً در پروانه کارشناسی وی درج می‌گردد، لذا بایستی کارشناس در محدوده صلاحیت‌های مصوب مندرج در پروانه خود مبادرت به انجام امور کارشناسی نموده و از اعلام نظر در خصوص موضوعاتی که خارج از صلاحیت وی می‌باشد خودداری نماید.

ماده ۱۹ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری در این خصوص صراحت دارد بنابراین اظهارنظر در خارج از صلاحیت اعطایی مندرج در پروانه کارشناسی تخلف انتظامی محسوب می‌شود و بر اساس بند الف ۸ ماده ۲۶ قانون موصوف برای متخلف مجازاتی از نوع و درجه ۵ تا ۶ انتظامی را در پی دارد.

در مواردی ملاحظه می‌شود که کارشناس صلاحیت لازم در خصوص امر ارجاعی را ندارد لیکن به مرجع قضائی ارجاع‌کننده قرار کارشناسی اعلام می‌نماید که به‌رغم نداشتن صلاحیت در این خصوص با توجه به خبرویت، آگاهی و دانش وی در این امر، در صورتیکه دادگاه قبول کند حاضر به اظهارنظر کارشناسی به‌عنوان اهل خبره می‌باشد که این امر با نص صریح قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری سازگاری نداشته و فاقد وجهت قانونی است و تخلف کارشناس محسوب می‌شود.

علاوه بر آن مکرراً مشاهده می‌شود که به‌رغم اعلام عدم صلاحیت کارشناس در امر ارجاع شده به دادگاه قاضی دادگاه به انجام کارشناسی توسط کارشناس مذکور اصرار می‌ورزد و کارشناس مربوطه نا آگاهانه و با فرض اینکه کلیه دستورات قضائی مقامات مذکور لازم الاجراست و تخطی و سرپیچی از آن مجازات قانونی را در پی دارد، مبادرت به اظهارنظر کارشناسی خارج از صلاحیت نموده و خود را در معرض تخلف انتظامی قرار می‌دهد.



در اینگونه موارد توصیه می شود که:

کارشناسان حتی المقدور از ورود به اعلام نظر کارشناسی خودداری نمایند. لیکن به هر دلیل از طرف دادگاه اجبار با اعلام نظر شدند حداقل از باب احتیاط و مشکلات آتی، موضوع عدم صلاحیت خود را کتباً اعلام و از دادگاه مصرأً بخواهند که دستور قضائی خود را ذیل درخواست عدم صلاحیت تقدیمی مرقوم فرمایند. در غیر این صورت عدم تمکین از قرار صادره مطلوب ترین گزینه ی پیش روی کارشناس است.

موضوع قرار کارشناسی، در واقع امری حقوقی است و ارجاع آن به کارشناس موضوعیت ندارد.

در این صورت قرار دادگاه به دلیل نداشتن وصف فنی، تخصصی و علمی قابلیت اجراء توسط کارشناس را ندارد و اساساً دادگاه نمی تواند تشخیص امور حکمی را به کارشناس محول نماید. بلکه موضوع قرار کارشناسی بایستی امور موضوعی باشد. به عبارتی کارشناس حق انطباق یک امر موضوعی با حکم قانونی را ندارد. و در فرضی که دادگاه قرار صادره سوال کرده که مثلاً آیا فلان دخل و تصرف مادی در آپارتمانی توسط مالک با قانون تملک آپارتمان ها مقایر است یا خیر؟

به نظر بنده قرار صادره توسط دادگاه موافق اصول حقوقی و موازین قانونی نبوده و مسئولیت تطبیق امور حکمی با وضعیت موجود امری حقوقی بوده و در صلاحیت و حوزه وظایف و حتی حوزه تصمیم گیری خود دادگاه و کارشناس صرفاً می تواند در این گونه موارد وضعیت موجود ساختمان را از لحاظ مشخصات ملک اولاً در انطباق یا عدم انطباق موضوع با مدارک رسمی ساختمان از جمله سند مالکیت، پروانه و پایانکار ساختمانی به انضمام گزارشات دخل و تصرفات خلاف پیمانکار و یا سند مالکیت و ثانیاً مطابقت یا مغایرت با مقررات و ضوابط دولتی یعنی نظامات فنی بررسی و در نظریه خود گزارش نمایند در این خصوص نیز اگر چنانچه دادگاه مصرأً به اعلام نظر کارشناسی باشد، دستور مؤکد قاضی اعطای صلاحیت کارشناسی تلقی نشده و عدم ورود کارشناس در حوزه خارج از صلاحیت و نیز عدم متابعت از دستور مقام قضائی در این مورد جزء معاذیر قانونی کارشناس محسوب می گردد و در این صورت تخلفی از ناحیه کارشناس قابل تصور

نیست. در فرضی که کارشناس خارج از صلاحیت خود اعلام نظر کرده است به علت تخلف آشکار کارشناس اصلاً نوبت به این امر نمی‌رسد که ببینند آیا نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مطابقت دارد یا ندارد، یعنی ماهیت نظر ابرازی در فرض مذکور رافع مسئولیت انتظامی یا به عبارتی تخفیف دهنده مجازات مقرر قانونی نیست یعنی صرف نظر از درستی یا نادرستی نظریه کارشناس که منظور از آن مطابقت با اوضاع و احوال محقق و معلوم موضوع است که البته امری نسبی است این موضوع نقشی در رفع یا تخفیف مجازات مربوطه ندارد و اصلاً نمی‌شود چنین تخلف آشکاری را کتمان کرد.

سوال: بالاخره حد عدم تبعیت از دستور خلاف مقررات کارشناسی صادره از مراجع قضائی تا کجاست؟

در جواب باید گفت که اولاً قاضی نمی‌تواند از اختیارات قضائی خود سوء استفاده کند و هر چند اطاعت از دستور مقام قضائی که در چهار چوب اختیارات و وظایف و مسئولیت قانونی دادگاه صادر می‌گردد یک تکلیف برای کارشناس است و اختیار جلب کارشناس طبق ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی در صورت عدم تبعیت وی از اوامر قضائی البته موافق قانون نه خلاف قانون ضمانت اجرائی این امر است لیکن انجام امور خارج از صلاحیت عموماً و خاصاً در مواردی که تجاوز به حریم دیگر رشته‌های کارشناسی می‌باشد تخلفی آشکار است، اما چنانچه به رغم معذوریت باز هم قاضی مصرّ به اجرای قرار باشد و دستور وی اجبار به معنی سلب اراده کلی از جانب کارشناس باشد از باب قاعده فقهی (رفع ما استکر هو علیه) رافع مسئولیت کارشناس در صورت اقدام به امر کارشناسی است.

و اگر کارشناس اکراه شود چون در اکرام بر خلاف اجبار، عنصر اراده باقی و موجود است کارشناس می‌تواند قرار محوله کارشناسی را انجام ندهد، در این صورت حتی اگر دادگاه عمل وی را تخلف و سرپیچی از دستور مقام قضائی تلقی و به مراجع ذیربط در کانون کارشناسان گزارش نماید، کارشناس می‌تواند با ارائه ادله قانونی و اظهار اینکه تخلف گزارش شده اساساً جرم انگاری نشده و عنوانی در موارد تخلفات قانونی مصرّح در ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری ندارد و فاقد مجازات قانونی است؛ درخواست صدور قرار منع تعقیب بنماید.

در فرضی که اکراه، ملجی یا تام باشد به علت زوال اراده کارشناس وی بری از تخلف است از طرفی به نظر می‌رسد که در اینگونه موارد بتواند از وحدت ملاک مواد ۵۷۹ و ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی در باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تحت تعقیب جزائی قرار داد.

ک) عدم اظهار نظر کارشناسی بر خلاف واقع و تبانی

با ملاحظه سوگند کارشناسی مندرج در ماده ۱۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری و عنایت به این نکته از سوگند کارشناسی، مبنی بر اینکه خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته و به راستی و درستی نظر خود را اظهار نمایم و اغراض شخصی را در آن دخالت ندهم و برخلاف واقع چیزی نگویم و ننویسم، بایستی

اظهار عقیده کارشناسی مطابق با حقیقت امر باشد. از طرفی تبانی که معنی لغوی آن با هم ساختن همدستی و قول و قرار گذاشتن با برنامه قبلی برای اقدام به یک امریست نباید دامن گیر کارشناس با یکی از اطراف و اصحاب دعوی شود که در این صورت کارشناس در مسیری قرار گرفته که اجباراً نسبت به اعلام نظر خلاف واقع در نظریه کارشناسی مبادرت می ورزد که این امر باعث ارتکاب تخلف از ناحیه وی شده و کارشناس را معرض بند الف ۹ ماده ۲۶ تخلفات انتظامی قرار می دهد.

اظهار عقیده توأم با سوء نیت، عدم ذکر تمام وقایع و ذکر موضوع برخلاف واقع صرف نظر از اینکه تخلف انتظامی است علاوه بر آن در صورت وقوع چنین وضعیتی بر اساس ماده ۳۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری کارشناس مذکور مجرم تلقی و تحت پیگرد قضائی نیز قرار می گیرد ماده ۳۷ قانون موصوف عمل کارشناس را در این موارد جاعل در اسناد رسمی محسوب می کند و به مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می نماید. اگر چنانچه گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناس رسمی در حکم دادگاه مؤثر واقع شده باشد کارشناس مذکور به حداکثر مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

ل) اظهار نظر کارشناسی بایستی با پروانه معتبر انجام شده باشد.

اگر چنانچه پروانه کاری در زمان انجام امور کارشناسی معتبر باشد لیکن در زمان ارائه نظریه به دادگاه، اعتبار آن منقضی شده باشد یا به هر دلیلی از اعتبار ساقط گردد اظهار نظر کارشناسی تخلف انتظامی محسوب می گردد.



م) اظهار نظر کارشناسی در زمان تعلیق محرومیت از حقوق اجتماعی و یا اثبات فقد شرایط مقرر در ماده ۱۵ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری نباشد.

می توان گفت که با توجه به اهمیت و جایگاه خطیر کارشناس در برقراری عدالت و نیز حساسیت شغلی کارشناسان بهتر است که کارشناس در طول خدمت کارشناسی مواظبت لازم را به عمل بیاورد که شرایط

قانونی لازم برای ارائه خدمات کارشناسی همواره فراهم بشود، بدیهی است که کارشناس بایستی در زمان تعلیق و محرومیت اجتماعی و شرایط مقرر در ماده ۱۵ قانون موصوف معذوریت خود را در قبال ارجاع امر کارشناسی به مرجع قضائی ذیربط کتباً اعلام نماید تا از ارتکاب به تخلف انتظامی بدور مانده و مورد تعقیب قرار نگیرد.

نویسنده: آرمان سنجش